

« انتساب نقض حقوق کردها در سوریه به دولت مرکزی از دیدگاه حقوق بین الملل »

چکیده:

دولتهای حاکم در سوریه به طور کلی در طول تاریخ، کردها را به عنوان جمعیتی مهاجر و نه شهروند بومی و اصیل این کشور می دانستند. آنها نه تنها حاضر به اعطای خودمختاری به این اقلیت و تعریف یک هویت قومی برای آنها نیستند، بلکه قائل به شناخت آنها به عنوان شهروند سوری و اعطای هویت سوری هم نبوده اند، آنچه مجدد از فوریه ۲۰۱۱ شاهد آن بودیم، بیانگر نقض گسترده و نظام مند حقوق بنیادین اقلیت کرد، در این کشور از ناحیه نیروهای دولتی و همچنین گروه های مسلح و شبه نظامی حامی دولت در بحران سوریه نیز می باشد؛ این رویکرد غیرمتعارف به هویت کردها، سبب موجبات ایجاد نقض فاحش تعهدات بین المللی و ابتدایی ترین حقوق بشر نسب به اقلیت کرد، در سوریه شده است. در این پژوهش سعی شده به اثبات این فرضیه پردازیم، که تا به امروز دولت های حاکم در سوریه به وضوح حقوق کردها را بر اساس قواعد و تعهدات حقوق بین الملل نقض کرده اند که اثبات آن در پیچه امیدوارکننده ای از تضمین های حقوق بین الملل در حمایت و به رسمیت شناختن کردها به عنوان اقلیت باز می کند.

واژگان کلیدی: سوریه، کردها، نقض حقوق، حقوق بین الملل

کردها در سوریه، در مقایسه با کردهای عراق و ترکیه، در غرب کمتر شناخته شده‌اند. آنها ارتباطات مشابهی با دولتی دارند که آنها را اداره می‌کند و با نقض شدید حقوق بشری^۱ به عنوان یک اقلیت مواجه هستند. فشار دولت سوریه بر جمعیت کردی که به دنبال دولت مستقل نیستند، ممکن است به ادعاهای کردی برای خودمختاری در ترکیه، ایران و عراق کمک کند.

بنابراین، اشتباه است اگر مشکل کردها در سوریه را تنها به عنوان یک مشکل قومیتی با مقیاس‌های منطقه‌ای ببینیم، کردهای سوریه نیز باید درون حوزه فقدان حکومت دمکراتیک در حکومت سوریه دیده شوند که بر تمام سوریه‌ها تأثیر می‌گذارد. توسعه نوع حکومت دمکراتیک در سوریه می‌تواند مشکل کردها را در سوریه تخفیف دهد و حتی ممکن است، درخواست‌ها برای جدایی‌طلبی را به وسیله کردها در منطقه کاهش دهد.

بنابر ارزیابی‌های اخیر، تقریباً نزدیک به یک و نیم میلیون نفر از کردها در سوریه، یا تقریباً ۱۰ درصد از جمعیت کلی ۲۲ میلیون نفری، آنها را تبدیل به بزرگ‌ترین اقلیت غیرعرب در سوریه می‌کند.^۲ آنها ابتدا در شمال و شمال غربی کشور، در جزیره، عفرین و منطقه عین‌العرب مستقر بودند. بخشی از جمعیت کردی در استان هاساکا در شمال غربی و یک بخش کوچ نیز در دمشق زندگی می‌کردند. اکثریت کردهای سوریه به زبان کردی صحبت می‌کنند و با اسلام سنی شناخته می‌شوند. وضعیت کردها به عنوان یک اقلیت بدون دولت در منطقه نیز در دوره پس از جنگ جهانی اول ریشه دارد، زمانی که توافق سایکس - پیکو از سال ۱۹۱۶ کردها را در خاورمیانه میان چهار دولت جدید از ترکیه، سوریه، ایران و عراق تقسیم می‌کرد.^۳

کردها مردمانی با بیش از ۳۰ میلیون نفر جمعیت هستند، که پیش‌بینی می‌شود، این جمعیت به سومین گروه قومی بزرگ خاورمیانه تبدیل شوند. کردها بزرگ‌ترین قوم بدون کشور جهان را تشکیل داده و جمعیت و سرزمین آنها به صورت منطقه جغرافیایی به هم پیوسته‌ای بین کشورهای ترکیه، عراق، ایران، سوریه و نیز بخش کوچکی از آن در شوروی سابق، تقسیم شده است. این مردم با داشتن زبان، فرهنگ و تاریخ متمایز و علی‌رغم تلاش‌هایی که برای حل کردن آنها در هویت ملی کشورهای محل سکونتشان انجام شده است، اکثراً دارای حس قوی هویت قومی هستند که آن را در درون و ماورای مرزهای کشوری که در آن زندگی می‌کنند، حفظ کرده‌اند.

به رغم جمعیت زیاد این مردم، دولت سوریه نه تنها هویت کردها را به عنوان جمعیتی بومی یا اقلیتی نژادی به رسمیت نشناخته، بلکه به طور مداوم به سرکوب و نقض حقوق آنها پرداخته است. اقلیت کرد ساکن سوریه بیش از حد مورد سرکوب و اذیت و آزار قرار گرفته‌اند، به طوری که حتی صحبت از هویت و زبان و فرهنگ کردی ممنوع بود و به نوعی مخالفت سیاسی با رژیم تلقی می‌شد. وجود جمعیتی از کردها در سوریه همواره از موضوعاتی بوده که مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

کردهای مقیم سوریه به عنوان یک اقلیت ده درصدی از جمعیت سوریه، سال‌های بسیاری است که جایگاهی در عرصه پژوهش محققان نداشته‌اند. وقوع تحولات اخیر خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ موجب شد تا این گروه قومی در کانون توجه قدرت‌های بزرگ قرار گیرد.

۱- نقض حقوق کردهای سوریه توسط دولت مرکزی

^۱. Human Rights

^۲. All figures are from the Minority Rights Group International's *World Directory of Minorities and Indigenous Peoples*, available at www.minorityrights.org/directory (accessed February 3, 2009).

^۳. See Kerim Yildiz, *The Kurds in Syria: The Forgotten People* (Ann Arbor, M.I: University of Michigan Press, 2006) and Jordi Tejel, *Syria's Kurds: History, Politics, and Society* (London: Taylor & Francis Group, 2008).

کردهای سوریه در طول تاریخ خود سیاست طولانی سرکوبی را متحمل شده‌اند. از سال‌های ۱۹۵۰ ناسیونالیسم عرب حکومت‌های متوالی سوریه در برابر کردها که آنها را تهدیدی برای وحدت سوریه می‌پنداشتند یک سیاست سرکوبی هویتی در پیش گرفتند. در ۱۹۶۲ دولت سوریه در استان الحسکه^۴ یک «سرشماری خاص» انجام داد که به دنبال آن بخش بزرگی از کردهای منطقه را به بهانه اینکه عده کثیری از آنها به صورت غیرقانونی از ترکیه آمده بودند از ملیت سوریه محروم کرد. بر اساس این تصمیم ۱۲۰,۰۰۰ کرد از حقوق شهروندی خود محروم شدند و زندگی روزمره آنها به ویژه از نظر تحصیلات و اشتغال دچار مشکل شد. آنها همچنین از حق مالکیت املاک محروم شدند. به دنبال آن با افزایش جمعیت، دو نسل از کردها، یعنی ۳۰۰,۰۰۰ نفر فرزندان ۱۲۰,۰۰۰ نسل اول، بدون شناسنامه، فاقد شهروندی سوریه به حال خود رها شدند.^۵

حزب بعث (دکترین ترکیبی از سوسیالیسم و ناسیونالیسم پان عرب) که در ۱۹۶۳ به قدرت رسیدند همان سیاست انکار هویت کردها که حکومت‌های قبلی داشتند ادامه دادند. سیاست بعث این بود که با مسأله به روش تغییر نسبت‌های جمعیتی با کاهش تعداد کردها در سطح منطقه‌ای برخورد کند. سیاست «تغییر جمعیت» که با پروژه‌های متعدد که همان قدر که همسازی یا عربی‌سازی کردها بود تغییر سرزمین‌های آنها با جابه‌جایی‌شان را نیز شامل می‌شد انجام می‌گرفت. از ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵، ۳۰۰۰۰ کرد مجبور به ترک کاشانه‌های خود شدند.^۶

سلب آزادی حقوق کردهای سوریه را می‌توان در سال ۱۹۵۸، با تضمین رسمی سوریه از ملی‌گرایی عربی و عکس‌العمل سیاسی اقلیت‌های قومی غیرعرب که شامل کردها می‌شود، دنبال کرد. در اکتبر ۱۹۶۲، مقامات سوریه یک سرشماری ویژه را در استان هاساکا برگزار کردند، که اکثریت کردها در این منطقه هستند. مقامات سپس گزارش‌های آماری به بهانه جستجوی افرادی که ممکن است به طور غیرقانونی از سوریه به ترکیه بروند را تهیه کردند. بیش از ۱۲۰,۰۰۰ کرد - نزدیک ۲۰ درصد از جمعیت کردهای سوریه - در نتیجه فقدان تمام حقوق شهروندی، شامل حق رأی و مشارکت در زندگی عمومی، حق مسافرت خارج از کشور، حق برای مالکیت شخصی و حق استخدام در بخش عمومی، غیرملی شدند.^۷

به علاوه، در دوران جمهوری متحده عربی، اجرای سیاست اصلاحات ارضی از سوی ناصر به طور مستقیم بر زندگی کردهای سوریه تأثیرگذار بود؛ به گونه‌ای که بسیاری از کردها را در مناطق کردنشین بدون زمین کرد. طرح اصلاحات ارضی در سوریه در زمان حاکمیت حزب بعث از سوی حافظ اسد دنبال شد و حتی تا مرحله ایجاد یک کمربند عربی در مرزهای سوریه پیش رفت.^۸ طی دهه‌های بعدی، همچنان سیاست تبعیض‌آمیز در قبال کردها ادامه داشت. یکی از شدیدترین نمونه‌ها تداوم سیاست خشن حکومت مرکزی در برابر کردها، واقعه استان حسکه است. بر اساس حکم استانداری حسکه در سال ۱۹۸۶، کردها در محیط کار حق تکلم به زبان کردی را ندارند. این تبعیض‌ها در مواردی نیز به درگیری‌هایی بین اعراب و کردها در سوریه منجر شده‌اند.

سیاست عربی کردن مناطق کردنشین با اعتراض‌هایی همراه شد به گونه‌ای که در روستاهایی که ساکنانش عرب و کرد بودند، مردم با همدیگر درگیر شدند. یکی دیگر از سیاست‌های حافظ اسد در دوران زمامداری‌اش بر سوریه، ندادن شناسنامه به جمعیت

4. Hassakeh.

۵. مراجعه شود به: گزارش گروه دنیل: حقوق فرهنگی و سیاسی سرکوبی کردها در سوریه ۲۶ نوامبر ۲۰۰۹.

www.hrw.org/report/2009/11/26/group-denial/repression-kurdish-political-and-cultural-rights-syria

6. Cf. Jean-François Pérouse, « Les Kurdes de Syrie et d'Irak : dénégation, déplacements et éclatement », Espace, populations, sociétés, 1997, n°1, Les populations du monde arabe – People of the Arab Middle East, p. 79

7. Maureen Lynch and Perveen Ali, "Buried Alive: Stateless Kurds in Syria," *Refugees International*, Washington, D.C., February 14, 2006, and Human Rights Watch, "Syria: The Silenced Kurds," Human Rights Watch, October 1996.

8. Human Rights Watch (October 1996), Syria: The Silenced Kurds (Hrw). P13

زیادی از کردها در سوریه بود. به طوری که این جمعیت از کردها به دلیل نداشتن شناسنامه از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی بی‌بهره بودند. به عبارتی آنها هیچ هویتی نداشتند و علقه‌ای بین آنها و دولت مرکزی وجود نداشت. پس از حافظ اسد، میراث وی به پسرش بشار اسد منتقل شد. وی پس از نشستن بر کرسی ریاست جمهوری سوریه در نخستین سخنرانی خود از اصلاحاتی در کشور خبر داد. به علاوه دولت سوریه در داخل کشور توسط یک شبه‌نظامی بزرگ وابسته به دولت موسوم به نیروهای دفاع ملی (NDF⁹) پشتیبانی می‌شود. این کشور در عملیات دفاعی و تهاجمی علیه نیروهای مخالف تحت هماهنگی کلی نیروهای مسلح شرکت می‌کند. بر اساس گزارش‌ها، NDF و شبه‌نظامیان وابسته به دولت بین ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ جنگجو هستند. علاوه بر این نیروهای بومی، تعداد زیادی خارجی نیز به نمایندگی از دولت می‌جنگند. اینها شامل شبه‌نظامیان شیعه حزب‌الله لبنان، جنگجوی شیعه عراقی و افغانی است که در یگان‌های جداگانه سازمان‌دهی شده و در کنار سایر نیروهای دولتی می‌جنگند.^{۱۰}

جریان اصلی اپوزیسیون سوریه متشکل از تعداد زیادی از گروه‌های مسلح متفاوت و شبه‌نظامیان محلی است. اپوزیسیون سکولار شامل تعدادی از گروه‌های مسلح است که در مجموع به عنوان ارتش آزاد سوریه (FSA¹¹) شناخته می‌شوند که در مراحل اولیه شورش‌های ضد دولتی در سال ۲۰۱۱ ظهور کردند و تا حدی از اعضای سابق نیروهای مسلح تشکیل شده‌اند. با این حال، علی‌رغم نام، FSA احتمالاً به اندازه یک سازمان نظامی منسجم یک برچسب است و زمین‌های زیادی را برای سایر گروه‌های مخالف، به ویژه برای مخالفان اسلام‌گرا، از دست داده است. جریان اصلی اپوزیسیون اسلام‌گرا به شکل آزادانه‌ای سازمان‌دهی شده است که به عنوان جبهه اسلامی شناخته می‌شود. این دو گروه مسلح مخالف جریان اصلی تا حدودی با یکدیگر همکاری می‌کنند و هر یک از حمایت‌های خارجی قابل توجهی در قالب‌های تسلیحاتی، آموزشی و مالی برخوردار شده‌اند.

این شرایط باعث شد کردهایی که خود را در ساختارهای (اقتصادی، اجتماعی، دین، مذهب، هویتی و زبان) سوریه پایبند نمی‌دانستند، با بروز نخستین جرقه‌های اعتراض داخلی در سوریه در سال ۲۰۱۱ وارد فرایند هویت‌خواهی شوند؛ اما با وجود آرزوی قلبی برای دستیابی به هویت مستقل کردی ذیل دولت خودمختار، ترس از ناکامی در این راه و از دست دادن حداقل‌های ممکن موجب شد تا همه احزاب کردی موضع یکسانی نسبت به دولت مرکزی اتخاذ نکنند. این مسأله صحنه سیاسی و مبارزه در سوریه را پیچیده‌تر کرده است.

یکی از مهم‌ترین عوامل در تقویت جایگاه کردها در سوریه پس از ۲۰۱۱ رقابت هویتی و ظهور گروه‌های متعارض در برابر حکومت مرکزی بوده است. کردها به عنوان یکی از مهم‌ترین و عمده‌ترین گروه‌های پیروز در بحران سوریه شد؛ زیرا با خروج نیروهای نظامی وابسته به حکومت مرکزی از نواحی گردان و نواحی نزدیک مرزهای ترکیه در اواسط ژوئیه ۲۰۱۲، عملاً حکومت مرکزی به صورت دو فاکتور کنترل این مناطق را به کردها سپرده است. در پی این اتفاق، کردها در مناطق تحت کنترل خود پایگاه ایست و بازرسی دایر کرده و پرچم خاص خویش را به اهتزاز درآورده‌اند و در نهایت تمرین و آماده‌سازی برای کسب خودمختاری را آغاز کرده‌اند.^{۱۲} در واقع در پی بحران سوریه، کردهای این کشور فرصتی مهم یافته‌اند تا مسأله کردی و تلاش کردها برای دستیابی به سطح بالاتری از امتیازات و خودمختاری در منطقه را برجسته‌تر کنند. از این رو، تحولات جدید در سوریه فضایی خاص برای فعالیت و نقش‌آفرینی گروه‌های کرد سوریه و همچنین تأثیرگذاری بازیگران خارجی در مناطق کردنشین به

⁹. The National Defense Forces Ford, Christopher, Syria: A Case Study in International Law (April 11, 2017). University of Cincinnati Law Review, Forthcoming, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2951235>. Posted: 13 Apr 2017

¹⁰. The Carter Center, Syria: Pro-Government. Paramilitary. Forces4(2013), <https://www.cartercenter.org/resources/pdfs/peace/conflict/resolution/syria-co.nflict/pro-governmentparamilitaryforces.pdf>; Also. Blanchard. Et. Al., Sz. Ra. Note. 5, At 12. November 5, 2013

¹¹. The Free Syrian Army

¹². قدیر نصری و آرمان سلیمی، «کردهای سوریه: الگوی سنجش وزن اقلیت»، فصلنامه روابط خارجی ۶(۲)(۱۳۹۳)، ۵۴.

وجود آورده است.^{۱۳} به طور کلی باید خاطرنشان کرد، که کردهای سوریه در قبال تحولات این کشور موضع‌گیری‌های متفاوتی داشته‌اند.

نخستین واکنش طبیعی کردهای سوریه به اعتراضات و درگیری‌های آغازشده در جنوب سوریه، اعلام حمایت با سایر مردم سوریه بود که در چند تظاهرات محدود خیابانی در برخی مناطق و شهرهای کردنشین خود را نشان داد. دومین واکنش کردهای سوریه، اتخاذ سیاست مسیر و انتظار، توأم با گسترش فعالیت‌های مخفیانه در مناطق بود. سومین تحول در شمال سوریه به توافق نانوشته و غیررسمی دولت مرکزی با برخی از احزاب کرد سوری برای واگذاری کنترل و اداره چند شهر، از جمله سری کانی، کوبانی، عفرین و ... بازمی‌گردد.

آخرین تحول در مواضع کردهای سوریه به تلاش‌های جدید برخی از احزاب کرد و نیز شورای ملی اپوزیسیون سوریه بازمی‌گردد که در آن، طرفین تا حدودی از مواضع تند و ادبیات تهاجمی علیه یکدیگر کاسته‌اند.^{۱۴} همکاری با حکومت بشار اسد در تقابل نظامی با نیروهای داعش فاز دیگری از نزدیکی کردهای سوریه و دولت سوریه است که تا به امروز همچنان ادامه دارد. باید خاطرنشان کرد که اسد به هیچ وجه مایل به اعطای استقلال و یا جدایی‌طلبی کردهای سوریه نیست، اما در نهایت سیر امور ممکن است وی را به موافقت با ایجاد یک ایالت خودمختار کردی در شمال سوریه سوق دهد.

در خصوص التزام و تعهد دولت سوریه به قواعد بشردوستانه، گفتنی است از آنجا که این دولت، عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو است، ملزم به رعایت مفاد ماده ۱ مشترک و به ویژه ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در قالب تعهدات قراردادی و هم در قالب حقوق عرفی (به دلیل ماهیت عرفی این مواد) است.

همانطور که حقوق بین الملل، تعهدات بین المللی متعددی را برای حمایت از افراد در نظر می‌گیرد، تعهداتی را از همه افراد می‌خواهد. در واقع در نظام حقوق بین الملل، مسئولیت «فرد» نیز به طور مستقیم مطرح میشود و این مسئولیت فردی، امکان محاکمه و مجازات افرادی را می‌دهد که از قواعد این نظام حقوقی تخلف می‌کنند.^{۱۵}

۱-۱- حملات نظامی علیه کردها

عملیات نظامی دولت مرکزی در اواخر ژانویه ۲۰۱۲ آغاز شد با وجود اینکه انگیزه اصلی اعمال خشونت علیه غیرنظامیان در این دوره بازپس‌گیری کنترل کشور و شکست مخالفان (سرکوب رژیم) باقی‌مانده، بود لیکن تعدادی از رویدادها وضوح پاک‌سازی قومی را به منظور هدف قرار دادن قومی خاص منعکس نمودند و این دوره با تنوع تهدیدات علیه غیرنظامیان به عنوان رفتار غارتگرانه در قالب غارت گسترده به دست نیروهای رژیم و شبه‌نظامیان طرفدار رژیم پس از عملیات نظامی رژیم بارزتر شد.^{۱۶}

تابستان ۲۰۱۱ شاهد آغاز نظامی‌سازی و سازمان‌دهی مخالفان هستیم که نمونه‌ای از آن در ایجاد ارتش آزاد سوریه (FSA)^{۱۷} توسط افسران جداشده ارتش سوریه در اواخر ژوئیه بود. در حالی که اپوزیسیون در نیمه دوم سال ۲۰۱۱ و تا سال ۲۰۱۲ از نظر قدرت و تعداد افزایش یافت، رژیم به طور فزاینده‌ای شروع به کاهش نیروهای متعارف خود کرد.

تا پایان سپتامبر ۲۰۱۱، ریاض‌الاسد، فرمانده FSA و سرهنگ جداشده از نیروی هوایی سوریه، مدعی شد که بیش از ۱۰۰۰۰ سرباز ارتش سوریه را جدا کرده‌اند. قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود را در اردوگاه‌های طرفدار و ضد رژیم قرار دادند و بخش‌هایی از جامعه بین‌المللی به طور فزاینده‌ای از رفتار خشونت‌آمیز اسد انتقاد کردند. معترضان رژیم با ابتکار اتحادیه عرب و با هدف پایان دادن به سرکوب خشونت‌آمیز رژیم بر معترضان که از دسامبر ۲۰۱۱ آغاز شد موافقت کرد. با این حال، رژیم تا

^{۱۳}. علی‌اکبر اسدی، «بحران سوریه و تأثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام ۸(۳۰۸)(۱۳۹۱)، ۱۷۴.

^{۱۴}. اسکندر مرادی و دیگران، «امکان‌سنجی شکل‌گیری اقلیم کردی در شمال سوریه»، فصلنامه سیاست جهانی ۴(۴)(۱۳۹۴)، ۲۶۲.

^{۱۵}. جمشید ممتاز و امیرحسین رنجبریان، حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، چاپ سوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات میزان، سال ۱۳۸۷، ص ۱۸۶.

^{۱۶}. Knarrum Bostad, Eli, Regime Crackdown in Syria (2011–2017), Unpacking Violence against Civilians, 16 October 2018, Norwegian Defence Research Establishment (FFI). 27-29

^{۱۷}. Free Syrian Army

سال ۲۰۱۲ به سرکوب مخالفان ادامه داد که منجر به تعلیق مأموریت در اواخر ژانویه گردید. در واقع، سرکوب تظاهرات مسالمت‌آمیز رژیم در اوایل سال ۲۰۱۲ به یک درگیری مسلحانه تبدیل شد و خشونت رژیم به طور فزاینده‌ای وحشیانه شد.^{۱۸} ژانویه ۲۰۱۲ نشان‌دهنده تغییر رویکرد رژیم نسبت به قیام و اعتراضات بود، به این معنا که این رژیم شروع به استفاده از سلاح‌های سنگین، از جمله توپخانه، در عملیات نظامی خود علیه مناطق ناآرام و پایگاه‌های مخالفان کرد. این تغییر در ابتدای سال ۲۰۱۲ در یک سری عملیات توسط نیروهای مسلح سوریه، در جاهای دیگر، در شهر زبدانی و دوما حومه دمشق منعکس شد. تا آن زمان، گروه‌های مخالف موفق شدند در ژانویه ۲۰۱۲ حمله زمینی رژیم به زابدانی را متوقف کنند. در مقابل، رژیم با گلوله‌باران شهر تحت کنترل مخالفان، حمله زمینی به زابدانی را آغاز کرد. استفاده از توپخانه به رژیم اجازه داد تا مخالفان را تضعیف و در عین حال از تلفات غیرضروری نیروهای خودی خودداری نماید. تغییر در استفاده از توپخانه در عملیات، نشان‌دهنده تفاوت کیفی در تهدیدی بود که غیرنظامیان در سوریه با آن مواجه شدند که این موضوع در افزایش تلفات غیرنظامیان منعکس شد.

در نیمه اول سال ۲۰۱۲ در مورد زابدانی، کمیسیون بین‌المللی توضیح می‌دهد که چگونه رژیم هیچ هشدار در مورد حمله توپخانه‌ای صادر نکرد و به غیرنظامیان زمان یا فرصتی برای تخلیه نداد و همین امر منجر به تلفات بالای غیرنظامیان شد.^{۱۹} علاوه بر این، خشونت جنسی علیه زنان، مردان و کودکان توسط نیروهای رژیم و شبه‌نظامیان طرفدار رژیم نیز به طور فزاینده‌ای در این مرحله گزارش شده است و اسناد حاکی از آن است که تجاوز جنسی به عنوان بخشی از سیاست سرکوب رژیم، به عنوان یک تاکتیک و سلاحی در تلاش رژیم برای شکست مخالفان عمل کرده است.^{۲۰} تهدید تجاوز به عنف ابزاری بود که نیروهای رژیم علیه مردان، زنان و کودکانی که تصور می‌شد با مخالفان مرتبط هستند، به عنوان نوعی تنبیه و به عنوان راهی برای ایجاد رعب و وحشت استفاده می‌کردند.^{۲۱}

بهار دمشق سال ۲۰۰۰ یک دوره کوتاه مدت از آزادی نسبی سیاسی در سوریه بود. رهبران کردی در تلاش برای به دست آوردن زمان برای کسب اتحاد بزرگ‌تری در میان کردها بودند و برای اینکه به جنبش‌های دمکراتیک سوری اعراب متصل شوند. همین موضوع سبب صدور اعلامیه دمشق شد که هدف آن تغییر دمکراتیک ملی از اکتبر سال ۲۰۰۵ نیز بود، یک اعلامیه محافظ که تمام بازیگران را در مخالفت داخلی سوری نشان می‌دهد، شامل دو گروه سیاسی اصلی بود، در یک بخش ویژه برای اقلیت‌های ملی، اعلامیه دمشق اظهار می‌کند:

آزادی برای اشخاص، گروه‌ها و اقلیت‌های ملی تضمین می‌شود تا خودشان را اظهار کنند و حقوق زبانی و فرهنگی‌شان را حفظ کنند و مطمئن شوند که دولت باید به چنین حقوقی در قانون اساسی و طبق حمایت از حقوق احترام بگذارد.

18. HRW 'World Report 2013: Syria - Events of 2012', Human Rights Watch, 2013, <https://www.hrw.org/world-report/2013/country-chapters/syria>

19. International Commission, February 2012, P. 18; Independent International Commission Of Inquiry On The Syrian Arab Republic, 3rd Report Of The Commission Of Inquiry On The Syrian Arab Republic – A/HRC/21/50, UN OHCHR, 15 August 2012, 21

20. Forestier, Marie "You Want Freedom? This Is Your Freedom": Rape As A Tactic Of The Assad Regime, LSE Centre For Women, Peace And Security, 3/2017,

http://eprints.lse.ac.uk/69475/1/Forestier_You_Want_Freedom_This_Is_Your_Freedom_WP3_2017.Pdf, P. 9; The UNSC Describes Sexual Violence As A Tactic Of War When Used To "Humiliate, Dominate, Instill Fear In, Disperse And/or Forcibly Relocate Civilian Members Of A Community Or Ethnic Groups"

21. International Commission, September 2013, 13.

بخش دیگر به طور ویژه مسأله کردها را نشان می‌دهد، در رابطه با آنها اظهار می‌کند:

راه‌حل دمکراتیک عادلانه برای مسأله کردها در سوریه برای تضمین برابری شهروندان کردی سوری با دیگر شهروندان در رابطه با حقوق ملیت (شهروندی)، فرهنگ و یادگیری زبان ملی، به علاوه دیگر حقوق مربوط به قانون اساسی، سیاسی، اجتماعی، بر پایه شهروندی و ملیت باید برای تمام افرادی که از این حقوق محروم شدند، اعاده شود، برای همه افراد.^{۲۲}

حضور کردها در اعلامیه دمشق یک نقطه شروع خوب برای همه کردها فراهم کرده است تا از قرنطینه شدنشان در شهرهایی مانند قامیشلی، عین‌العرب و عفرین عبور کنند و بتوانند بازیگرانی در صحنه سیاسی دمکراتیک سوریه باشند. اعلامیه نیز به مخالفان سوری یک مقیاس ملی می‌دهد، بنابراین منبع مشروعیتشان از اعراب و کردها می‌آید.

امروزه، جبهه کردی و اتحاد کردی در ارتباط با هماهنگی با همتای عربی‌اش عمل می‌کند. پیش‌نویس اعلامیه که نیاز برای «یافتن یک راه‌حل دمکراتیک^{۲۳} عادلانه برای مسأله کردها درون واحد کشور» را به رسمیت می‌شناسد، یک مورد قابل توجه است. به علاوه، کمیته هماهنگی، تلاش برای همیاری میان کردهای عرب - سوری در سال ۲۰۰۳ شکل گرفت، مسائل مطروحه در ارتباط با مورد حقوق بشر در سوریه بود.

بنابراین، در سال ۲۰۰۴، حکومت سوریه نظامیان را با مناطق کردی در سوریه حرکت داد، ظاهراً مسائل امنیتی را در اجتماع کردی پیش‌بینی می‌کرد. کردها به این اقدام با منازعات روزانه با نیروهای سوری پاسخ دادند، دمشق را وادار به فعالیت کرد تا تهدید منطقه غربی تحت تسلط کردها را در رابطه با امنیت ملی مشخص کند. فشار اسد حضور نظامی و امنیتی در منطقه شلاک را بعد از تکرار اعتراضات گسترش داد. منازعات سیاسی گسترده محدود نبودند، به ویژه بعد از عواقب شورش‌های سال ۲۰۰۴ در استودیوم فوتبال محلی قامیشلی که از منازعات خشن با حضور نیروهای امنیتی جلوگیری کردند و دوازده کشته و مجروح شدند.^{۲۴} کشیش برجسته کردی مشوک الخوزنوعی در «شرایط مشکوک و سری»^{۲۵} کشته شده بود. چنین حوادث خشونت‌آمیزی بر اجتماع کردی تأثیر گذاشت، یک مرتبه امکان افزایش مقاومت خشونت‌آمیز را برای کردهای سوری افزایش داد. این نیز منجر به منازعه میان کردهای سوری و جنبش دمکراتیک سوری شد.

۱-۲- اقدامات دولت علیه هویت کردی

ده‌ها هزار نفر از کردها در سوریه به عنوان خارجیان در کشور تولدشان شناخته می‌شوند. بسیاری از آنها کودکان متولد شده در سوریه از والدین بدون ملیت هستند، اگر چه قانون اساسی سوری به تمام کودکان متولد شده در سوریه، شامل کردها، حق شهروندی می‌دهد.

منطق سیاست‌های آماری سرشماری پس از ۱۱۹۶۲ به طور کلی مستبدانه، عاری از اصول واقعی برای طبقه‌بندی شهروندان است و در برخی موارد این اصول که وجود دارد، بر خانواده‌های مشابه منطبق می‌شود. یک نفر ممکن است عضو یک خانواده باشد که ملیتشان را به دست آورده‌اند و دیگران که بدون ملیت باقی می‌مانند.

منطقه غیرملی در هاساکا در مرز سوریه - ترکیه برای مقیاس‌های تبعیض‌آمیز ضد کردی‌اش، بدنام شده است از سال ۱۹۶۲، دولت سوری کردها در سوریه را به سه دسته‌بندی جمعیتی تقسیم می‌کند: کردهای سوری، کردهای خارجی و کردهای «مخفی». کردهای سوری ملیت سوری‌شان را حفظ می‌کنند. کردهای خارجی از حق شهروندی^{۲۶} محروم می‌شوند و در آرشیوهای رسمی به عنوان خارجیان نامشان ثبت می‌شود.

22. The text of the Damascus Declaration for Democratic National Change appears in the Documents on Democracy section of the *Journal of Democracy*, Vol. 17, No. 1 (January 2006): 181-84. See also Mona Yacoubian and Scott Lasensky, "Syria and Political Change I" and "Syria and Political Change II," USIP briefings, December 2005 and March 2006.

23. Democratic

24. Human Rights Watch, "Syria: Address Grievances Underlying Kurdish Unrest," New York, March 18, 2004.

25. See Robert Low, "The Syrian Kurds: A People Discovered," briefing paper, Chatham House, January 2006.

26. Citizenship

در سال ۲۰۰۸، حدود ۲۰۰۰۰۰ هزار نفر از آنها کردهای مخفی، کردهای غیرمملی شده هستند که در ثبت‌های رسمی به طور کلی نامی از آنها آورده نشده است و کسانی که مقامات سوری به عنوان خارجی می‌شناسند تقریباً ۸۰۰۰۰ هزار نفر به این دسته‌بندی تعلق دارند. میان کردهای مخفی افرادی هستند که پدرشان در دسته‌بندی خارجیان به عنوان مخفی قرار می‌گیرد و اشخاصی که پدرشان بیگانه است و کسانی که مادرشان به عنوان مخفی شناخته می‌شود و اشخاصی که هر دو والدینشان مخفی هستند. به علاوه، حدود ۲۸۰۰۰۰ هزار کرد بدون سند وجود دارد که در سوریه مستقر هستند که بر طبق منابع کردی، حق شهروندی ندارند. هیچ آمار دولتی در این گروه وجود ندارد.^{۲۷}

افزایش ملی‌گرایی، از نظر منطقه‌ای در ناصرگرایی و از نظر محلی در تفوق حزب بعث در سال ۱۹۶۳ ریشه دارد، تبعیض رسمی علیه کردهای سوری در تمام دسته‌بندی‌های بالا افزایش می‌یابد، بنابراین سیاست کردی حکومت بعث خواهان از ریشه کردن حضور کردها از زندگی عمومی سوریه بود.^{۲۸} کردها فقدان نمایندگی سیاسی، توسعه اقتصادی ضعیف و کاهش خدمات اجتماعی را تجربه کرده‌اند. ارکان مهم هویت فرهنگی کردها، مانند زبان، موسیقی و انتشارات قدغن شده بود. احزاب سیاسی ممنوع شده بودند و اعضای‌شان زندانی شده بودند. حکومت سوریه نیز شروع به جایگزینی نام‌های روستا و بخش‌های کردی با نوع عربی‌شان کردند.

به علاوه، حکومت دستور داد تا جمعیت مناطق حساس منتقل شوند.^{۲۹} برای مثال، در سال ۱۹۷۳، حکومت بعث پیش‌نویس طرح «کمر بند عربی» را تهیه کرد که بر طبق آن خانواده‌های عرب از مناطق آلیو و الرقه مجبور شدند تا به چهل روستای کردی در سرتاسر استان جزیره مهاجرت کنند، یک منطقه ۳۶۵ کیلومتری و ۱۰ تا ۱۵ کیلومتر را در سرتاسر مزره‌های ترکیه و عراق پوشش دادند. پیش‌نویس برخی طرح‌های توازن اجتماعی در منطقه، به ویژه در استان جزیره، این نکته را نشان می‌دهد که مباحث اجتماعی و مدنی منبع پایداری کشمکش باقی می‌ماند.^{۳۰}

برخی از کردهای غیرمملی سوریه در استان هاساکا، زندگی می‌کنند، علی‌الخصوص در منطقه مالکیه و شهرهای قامیشلی و رأس‌العین. در طول سال‌ها، شمار کمی از کردهای غیرمملی از این منطقه به دمشق و دیگر شهرهای بزرگ سوری در سرتاسر کشور مهاجرت کردند. کردها به عنوان خارجیان با کارت شناسایی قرمز طبقه‌بندی شدند که به آنها اجازه می‌داد تا به عنوان خارجیان در اسناد رسمی ثبت شوند.

بنابراین، آنها نمی‌توانند پاسپورت داشته باشند یا کشور را ترک کنند. کردهای مخفی تنها یک کارت هویتی زرد، یا گواهی اقامت را حمل می‌کنند که به وسیله رئیس محلی صادر می‌شود و برای شناسایی دارندگان زمانی که مقامات انجام این کار را ضروری می‌دانند، مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بنابراین مقامات کارت‌های شناسایی را صادر می‌کنند، نهادهای سوری رسمی آنها را نمی‌پذیرند، پس، برای تمام مقاصد و اهداف دارندگان سند زرد موقعیت رسمی در تمام سوریه ندارند.

۲-۱- تبعیض نژادی

منشور ملل متحد بر اساس ماده ۱(۳) خواستار ترویج و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون هیچ‌گونه تمایزی است. کنوانسیون بین‌المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی (ICERD) در مقدمه خود مجدداً تأکید می‌کند که

27. Human Rights Watch, "Syria," and Human Rights Association, *The Situation of Syrian Kurds: A Human Rights Perspective* (Damascus: Human Rights Association in Syria, 2004), 9 (In Arabic).

28. Interview with a Syrian Kurdish journalist, Damascus, May 2007.

29. This policy may have been building on an earlier model, a 1952 decree—still in effect today—that had rendered Hasakah province and its administrative borders a special security area or boundary area, in which residents had to comply with special conditions in all commercial, administrative, and legal affairs.

30. Azad Mohamed Ali, "The Impact of Special Laws on Urban Development in Rural Kurdistan," *Albosta*, no. 9 (January 2007), 8–9 (in Arabic).

تبعیض علیه انسان‌ها بر اساس نژاد، رنگ یا منشأ قومی مانعی بر سر راه روابط دوستانه بین ملت‌ها است و احتمالاً صلح میان ملت‌ها را مختل می‌کند.

ماده ۱ ICERD³¹ اصطلاح «تبعیض نژادی» را این‌گونه تعریف کرده است: «هر گونه تمایز، طرد، محدودیت یا ترجیح بر اساس نژاد، رنگ، تبار یا منشأ ملی یا قومی» که بهره‌مندی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را مختل یا باطل کند.³² در تاریخ ۱۹۶۲/۱۰/۰۵ بر اساس حکم قانونی شماره ۹۳ مورخ ۱۹۶۲/۰۸/۲۳ و با استفاده از آنچه به عنوان «کمیته سرشماری» شناخته می‌شود و در سرتاسر استان گسترده شده است، مقامات سوری در هاساکا به صورت تصادفی ده‌ها خانواده از هزاران خانواده کردی را از ملیت سوری خود محروم کردند. سرشماری در استان هاساکا ظرف ۲۴ ساعت به پایان رسید و در نتیجه ده‌ها خانواده از هزاران خانواده کردی ملیت خود را از دست دادند و خودشان را محروم از تابعیت یافتند. با حرکت یک خودکار، آنها از حقوق مدنی‌شان در یک تصمیم غیرقابل بازگشت با هیچ امکانی از تجدیدنظر، محروم شدند. فرایند سرشماری منجر به دسته‌بندی افراد به دو گروه محروم از تابعیت شد، اصطلاحاً:

۱. خارجیان استان هاساکا: اعضای این دسته‌بندی کارت هویت قرمز رنگ دریافت کردند که روی آن این عبارت نوشته شده بود «در فهرست اعراب سوری مطابق سرشماری ۱۹۶۲ نامی وارد نشده است. دارندگان این کارت‌ها آزادی جابه‌جایی نداشتند؛ در حالی که می‌توانستند سوریه را ترک کنند، دیگر اجازه نداشتند به آنجا بازگردند. این کارت‌ها دارندگان را از برخی خدمات نیز محروم می‌کردند، مانند حق اقامت در هتل، جایی که تأیید اداره هتل‌ها برای پذیرش شخصی با کارت قرمز ضروری است.

۲. ثبت‌نشده³³: داده‌های شخصی از اعضای این دسته‌بندی در هیچ اداره ثبتی به ثبت نرسیده است. آنها از هیچ سند شناسایی غیر از نامه‌ای که از طرف شهردار است، یا گواهینامه محل اقامت که تنها بعد از موافقت پلیس امنیتی سیاسی، اعطا می‌شود، برخوردار نیستند؛ بنابراین، در اصطلاح قانونی، این افراد وجود ندارند.

امروزه، در نتیجه رشد طبیعی جمعیت، شمار افرادی که از ملیت خود محروم شده‌اند بیش از یک چهارم از یک میلیون نفر است. فرزندی که از والدین بدون ملیت متولد می‌شود به طور خودکار به عنوان «خارجی شناخته می‌شود نظر به اینکه، فرزند متولدشده از پدری که فاقد ملیت است و مادر سوری متولد شده است، در وضعیت «ثبت‌نشده» قرار می‌گیرد. به منظور اینکه شخصی «خارجی» شناخته شود، فرایندهای پیچیده‌ای باید دنبال شود. مورد مشابه زمانی پدیدار می‌شود که پدر از ملیت محروم باشد و هویت مادر «ثبت‌نشده» باشد، یا زمانی که هر دوی والدین به دسته‌بندی دوم تعلق داشته باشند.

سرشماری که در بالا به آن اشاره کردیم تمام افرادی را که تحت تأثیر قرار می‌دهد از به‌کارگیری تمام حقوق طبیعی‌شان بر پایه ملیت محروم می‌کند - حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی - از به‌کارگیری حقوق کار، استخدام، تحصیل، مسافرت، حق مالکیت و استفاده از زمین کشاورزی و از زندگی معمولی محروم می‌کند.

ناظران بی‌تابیتی کردها در سوریه وضعیت‌های زیر را می‌نویسند:

- پدر دارای ملیت سوری است اما بعضی یا تمام فرزندان او از این حق محروم هستند.
- پدر از ملیت سوری محروم است و بعضی، یا تمام فرزندان او از این حق محروم هستند، یا «ثبت‌نشده» هستند.
- بعضی از آنهايي که از ملیت سوری محروم شده‌اند هنوز اسناد خدمت نظامی را که تاریخ آن به ۱۹۶۳ و قبل‌تر از آن برمی‌گردد را دارا هستند.
- بعضی از شهروندان کردی ملیت سوری خود در ۱۹۷۰ به خاطر مخالفتشان با پروژه دیوارکشی اعراب از دست دادند.

³¹. International Convention on the Elimination of Racial Discrimination

³². Fergus Mackay, Universal Rights or a Universe unto Itself? Indigenous Peoples' Human Rights and The World Bank's Draft Operational Policy 4.10 On Indigenous Peoples. (2002) AMU INTL REV 595.

³³. Unregistered

مسأله کردهایی که از ملیت سوری خود محروم شده‌اند تا امروز حل نشده باقی مانده است، دولت‌های متوالی سوری نمی‌توانند راه‌حل‌های مناسبی برای این مشکل پیدا کنند، علی‌رغم پافشاری و درخواست‌های مکرر آنهایی که از این مسأله تأثیر می‌پذیرند. در سال ۱۹۹۹، کمیته حذف تبعیض نژادی، یک رکن سازمان ملل متحد که تعهدات دولت‌های عضو را برای معاهده مورد نظارت قرار می‌دهند، گزارش می‌دهد که «هنوز نگرانی‌ها راجع به بی‌دولتی شمار گسترده‌ای از افراد کردی وجود دارد، کسانی که ادعا می‌کنند که از کشورهای همسایه از سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۵ وارد جمهوری عربی سوریه شدند و اظهار می‌کنند تعداد آنها ۷۵۰۰۰ نفر بوده است».

گزارش همچنین اظهار می‌کند: کمیته راجع به کردهایی که در سوریه به دنیا می‌آیند اظهار نگرانی کرده است، کسانی که هم به عنوان خارجی‌ها و هم به عنوان ثبت‌نشده‌ها (ثبت‌نشده) به وسیله مقامات سوری مورد توجه قرار می‌گیرند و کسانی که با مشکلات اداری و عملی در احراز ملیت^{۳۴} سوری مواجه می‌شوند، اگرچه آنها از زمان تولد ملیت دیگری نداشتند. (پاراگراف ۱۰). در سال ۲۰۰۰ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای اظهار می‌کند:

این نگرانی درباره موقعیت شمار گسترده‌ای از کردها که به عنوان بیگانگان یا افراد ثبت‌نشده عمل می‌کنند و تبعیض را تجربه کرده‌اند، باقی می‌ماند. کمیته به دولت (سوریه) یادآور می‌شود که معاهده (حقوق مدنی و سیاسی) بر تمام افرادی که در حوزه قضایی‌شان قرار می‌گیرند، قابل اعمال است (مواد ۲ (۱)، ۲۴، ۲۶ و ۲۷).^{۳۵}

۲-۲- یکپارچگی فرهنگی

متکالف^{۳۶} معتقد است، که در قلب یکپارچگی فرهنگی یک ارتباط فرضی بین فرهنگ مردمان بومی و شیوه‌های زیست‌محیطی پایدار است. ریشه‌های فرهنگی مردم بومی بر محیطی که در آن زندگی می‌کنند و منابع موجود در آنها تعبیه شده است.^{۳۷} برای حفاظت از فرهنگ مردم بومی، باید تضمین‌های زیست‌محیطی برای آنها فراهم شود تا بتوانند ارتباط هماهنگ خود را با محیط‌زیست حفظ کنند. هنجار یکپارچگی فرهنگی همان‌طور که در مفاد UNDRIP ذکر شده است به هنجارهای بین‌المللی در مورد حقوق فرهنگی مربوط می‌شود که شامل حق مردم برای اعمال و انتقال آداب‌ورسوم، سنت‌ها، زبان و نظام اعتقادی خود به نسل‌های آینده و حق حفظ کرامت و تنوع است. کمیته رفع تبعیض نژادی ادعا می‌کند، که وقتی جابه‌جایی اجباری، تخریب شدید محیط‌زیست و محرومیت از دسترسی به مناطقی که برای آنها اهمیت فرهنگی و مذهبی دارند اتفاق بیفتد، حقوق مردم بومی نقض می‌شود.

کمیته رفع تبعیض نژادی (CERD) در توصیه عمومی شماره ۲۳ اعلام کرد که سلب مالکیت مداوم مردم بومی از سرزمین‌ها و منابع آنها و سایر موارد نقض حقوق اساسی و آزادی آنها حفظ فرهنگ و هویت تاریخی آنها را به خطر می‌اندازد. ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حقوق فرهنگی مردم بومی را همان‌طور که توسط کمیته حقوق بشر در نظر عمومی شماره ۲۳ بیان شده است، محافظت می‌کند.

ماده ۳۰ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک مقرر می‌دارد که کودک بومی نباید از حق برخورداری از فرهنگ، زبان و مذهب خود محروم شود. در سال ۱۹۹۲، دولت‌ها اصل ۲۲ اعلامیه ریو در مورد محیط‌زیست و توسعه ۶۱ و دستور کار ۲۱۶۲ را به تصویب رساندند که نقش حیاتی مردم بومی را در توسعه پایدار به دلیل دانش و شیوه‌های سنتی خود به رسمیت می‌شناسند و از دولت‌ها می‌خواهند که از حقوق خود اطمینان حاصل کنند.^{۳۸} کنوانسیون تنوع زیستی همچنین خواستار حمایت و

34. Nationality

35. <https://lib.ohchr.org/HRBodies/UPR/Documents/session12/SY/KIS-KurdsinSyria-eng.pdf>

46. Metcalf

37. Cherie Metcalf, *Indigenous Rights and The Environment: Evolving International Law* (2004) Ottawa L. Review 101.

38. ASA OMWOYO, (op.cit.), 8.

حفاظت از مالکیت معنوی مردم بومی است. از مطالب فوق آشکار می‌شود که هنجار یکپارچگی فرهنگی که در مفاد UNDRIP³⁹ تأیید شده است به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی تبلور یافته است.

کردهای سوری تحت فشار فزاینده برای پاک کردن هویت فرهنگی‌شان، شامل جشن‌های ملی و صحبت کردن به زبان کردی در عموم و محل کار، قرار دارند - مکانیسم اساسی برای کردها تا فرهنگشان را حفظ کنند. کودکان کردی مجاز نیستند تا در مدرسه کردی بخوانند و معلمان کرد از کاربرد زبان کردی در طول کلاسشان منع می‌شوند. کودکان همچنین از آموزش زبان کردی از طریق ابزارهای جایگزین نیز منع می‌شوند. برای حفظ علمشان از زبان، اشخاص خاصی، به علاوه احزاب سیاسی، خطر آموزش کردی در مکان‌های غیررسمی را می‌پذیرند.

از اوایل دهه ۱۹۹۰، دمشق احکامی را برای منع والدین کردی از ثبت رسمی فرزندانشان با نام کردی، منتشر کرده‌اند. برای بیشتر بخش‌ها، مخالفان کردی با این حکم خواهان عقب‌نشینی دولت از این حکم بودند، اما کردها هنوز هم از انتشار به زبان کردی منع می‌شوند؛ اکثر انتشارات اخیراً در چرخه دست به چاپ غیرقانونی از لبنان یا ایران یا چاپ در خفا می‌زنند (مهم است که خاطر نشان کنیم که محدودیت‌ها بر آزادی بیان بر تمام شهروندان سوری، نه فقط کردها تأثیر می‌گذارد).

حقوق کردها برای آزادی اجتماعات و گردهمایی‌ها مختصر شده است. مقامات سوری به طور کلی از شکل‌دهی به گردهمایی‌ها و اجتماعات خصوصی کردی منع می‌شوند که زندگی مدنی و فرهنگی کردها را منقبض می‌کند؛ بنابراین، این نوعی از محدودیت‌ها بر جامعه مدنی در سرتاسر سوریه است که سخت‌گیری‌هایی زیادی را بعد از بهار دمشق تجربه کرده‌اند، یک دوره آشکار از لیبرالیسم در سال ۲۰۰۱. کردها در دریافت مجوزها برای برگزاری جشن برای مراسم فرهنگی خاص با مشکل مواجه می‌شوند، مانند جشن نوروز که آغاز سال جدید برای کردها است. در مارس سال ۲۰۰۸ نیروهای امنیتی⁴⁰ سوری به روی جشنواره کردها آتش گشودند، حداقل سه نفر کشته شد و دیگران مجروح شدند.⁴¹ در این مورد هم حکومت اقدامات شدیدی را مرتکب شد که بر اساس تأیید دیدبان حقوق بشر سازمان ملل بیان می‌گردد:

- مقامات سوری اقدامات خود را برای جلوگیری از لذت بردن و عمل کردن کردها بر پایه حقوق مربوط به هویت قومی‌شان، ادامه دادند. دولت انواع مختلفی از فشار را برای ممانعت علیه کردها برای جشن گرفتن جشن نوروز، سال جدید کردها، در تاریخ ۲۰۱۰/۰۳/۲۱ اعمال کردند، مقامات استان الرقه شهروندان کردی را تحریک کردند تا نوروز را در منطقه شمال سوامییا جشن بگیرند، تلاش می‌کردند تا جمعیت را متفرق کنند و به سمت آنها گلوله شلیک می‌کردند که باعث شد یک نفر کشته و تعدادی زخمی شوند.
- دولت سوریه به استفاده از هر وسیله موجودی برای جلوگیری از کردها از اعمال حقوق طبیعی‌شان برای صحبت به زبان مادرشان جلوگیری می‌کردند. نه تنها که زبان کردی به عنوان یک زبان رسمی در این دولت شناخته شده نبود، بلکه دولت از هر ابزار ممکن برای محرومیت شهروندان کردی از صحبت و مکالمه به زبان کردی، استفاده می‌کردند، شامل شکنجه، محدودیت آزادی جابه‌جایی و حتی تنظیم کیفرخواست جنایی.
- دولت سوریه به عمل بر طبق اعلامیه ۱۹۶۳ که از سوی وزیر داخله صادر شده بود، ادامه دادند که از ساکنان استان هاساکا، بیشتر کردها، از انتقال به استان‌های دیگر جلوگیری می‌کرد.
- حکم شماره (۱۲۲/اس) از طرف وزیر داخله، به ویژه استان هاساکا، به تاریخ ۱۹۹۲/۰۹/۰۳ هنوز تحت تأثیر هستند. حکم بیان شده به این بستگی دارد که فرایند رسیدگی به اصلیت باید با دستگاه‌های پلیس امنیتی انجام شود. این برای تمام

39. United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples

40. Security forces

41. Human Rights Watch, "Syria: Investigate Killing of Kurds: Hold Accountable Those Responsible for Unlawful Killings," New York, March 23, 2008.

- متولدشده‌ها، هم جدید و هم قدیم، اعمال می‌شد. تمام متولدشده‌ها در استان هاساکا موضوع صدور مجوز به وسیله پلیس امنیت سیاسی می‌شوند، یک ترتیب غیرمعمول باید در ارتباط با اکثریت کردها در استان باشد.
- دانشجویان و کارگران کرد انتقال دلبخواهانه یا اخراج از نهادها، بخش‌ها و مؤسسات دولتی را بر اساس بهانه‌های غلط و ناعادلانه که ریشه در تعصبات قومی دارد، همچنان مورد توجه قرار می‌دهند.
 - در سال ۱۹۶۷، تمام چیزهایی که به کردها مربوط بود از کتاب درسی جغرافیا حذف شد و برخی از شهروندان کرد از طرف کارکنان بخش‌های ثبت مدنی برای ندادن نام به فرزندانشان تحت فشار قرار گرفتند.
 - در تاریخ ۱۱/۱۱/۱۹۸۶، فرماندار هاساکا قطعنامه‌ای به شماره (1012/S/25) صادر کرد که کاربرد زبان کردی را در محل‌های کار ممنوع می‌کرد.
 - در تاریخ ۱۳/۰۳/۱۹۸۹، فرماندار هاساکا، محمد مصطفی میرو، قطعنامه‌ای به شماره (1865/S/25) صادر کرد تا دوباره محدودیت برای صحبت کردن به زبان کردی را تصدیق کند و به این قطعنامه ممنوعیت آهنگ‌های غیرعربی در مراسم ازدواج و جشن‌ها را اضافه کرد.

۲-۳- زمین و منابع سرزمین

مردم بومی روابط عمیقی با زمین‌ها و منابع سرزمین خود دارند.^{۴۲} این هنجار همان‌طور که در UNDRIP ذکر شده است نشان‌دهنده اهمیت زمین و محیط‌زیست برای بقای فرهنگی آنهاست. ماده ۲۵ UNDRIP مقرر می‌دارد که مردم بومی حق حفظ و تقویت خود را دارند. ارتباط معنوی با سرزمین‌ها و منابع سنتی خود برای ایفای مسؤولیت خود در قبال نسل‌های آینده. این امر در ماده ۱۳ کنوانسیون ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار منعکس شده است که مقرر می‌دارد دولت‌ها باید به ارزش‌های فرهنگی و معنوی مرتبط با سرزمین‌ها و سرزمین‌های خود احترام بگذارند. ماده ۲۶ UNDRIP مقرر می‌دارد که مردم بومی حق دارند «زمین، سرزمین‌ها و منابعی را که به دلیل مالکیت سنتی به دست می‌آورند، مالک، استفاده، توسعه و کنترل کنند...» ماده ۱۴ کنوانسیون ۱۶۹ ILO حق مالکیت و تملک اراضی اشغال‌شده را به رسمیت می‌شناسد.

در پرونده روستاهای مایا علیه دادستان کل بلیز، دادگاه عالی بلیز دریافت که هم حقوق بین‌الملل عرفی و هم اصول کلی حقوق بین‌الملل، دولت بلیز را ملزم می‌کند که به حق مردم بومی بر زمین و منابع احترام بگذارد. دادگاه در این پرونده به UNDRIP به عنوان بازتاب‌دهنده اصول کلی حقوق بین‌الملل استناد کرد و اظهار داشت که دولت بلیز «مایل نیست هر گونه اقدامی را انجام دهد که مفاد اعلامیه سازمان ملل را به عنوان وارداتی که انجام می‌دهد، کاهش دهد.» دادگاه علاوه بر این، تعهدات دولتی را که در کنوانسیون ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار ارائه شده بود، در مورد بلیز قابل اجرا دانست، حتی اگر این کشور عضو این کنوانسیون نباشد.^{۴۳}

ماده ۲۸ UNDRIP حق مردم بومی را برای جبران خسارت در صورتی که زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابع آنها «مصادره، تصرف، اشغال، استفاده یا آسیب‌دیده شود بدون رضایت آزادانه، عادلانه و آگاهانه‌شان» به رسمیت می‌شناسد. حق جبران خسارت مؤثر بخشی از حقوق بین‌الملل است. برای جبران خسارت ماهوی، اقدامات جبرانی باید کافی و مؤثر باشد، زیرا هدف آن بازگرداندن وضعیت اولیه قربانی است. بند ۳ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دولت‌ها را موظف می‌کند تا اطمینان حاصل کنند که اشخاصی که حقوق آنها نقض شده است از راه‌حل مؤثر دفاع می‌کنند. ماده ۱۶ کنوانسیون ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار،

42. Mauro Barelli, Free Prior and Informed Consent In The Aftermath Of The UN Declaration On The Rights Of Indigenous Peoples: Developments And Challenges (2012) 16(1) International Journal Of Human Rights, 1.

43. Maia S. Campbell and James Anaya, The Case of the Maya villages of Belize: Reversing the Trend of Government Neglect to Secure Indigenous Land Rights (2009)8(2) *Human Rights Law Review*, 398.

حق مردم بومی را برای دریافت غرامت در صورتی که دولت بخواهد از زمین‌های آنها برای اعمال سیاست‌های ملی استفاده کند، به رسمیت می‌شناسد.

ماده ۱۰، ۲۹ و ۳۲ UNDRIP و ماده ۱۶ کنوانسیون ۱۶۹ ILO هنجار رضایت آزاد، قبلی و آگاهانه (FPIC^{۴۴}) را ارائه می‌کند. این هنجار در اسناد بین‌المللی کلیدی منعکس نشده است، اما اجماع عمومی برای تفسیر هدفمند این ماده برای حفظ احترام به مردم بومی و سرزمین‌ها و سرزمین‌های اجدادی آنها وجود دارد. با این حال، کوپورووا معتقد است که هنجار FPIC ایالت‌ها را ملزم می‌کند که به طور کامل با نماینده مردم بومی مشورت کنند. رضایت قبلی و آگاهانه مطابق با آداب و سنن آنها در رابطه با هر پروژه توسعه یا سرمایه‌گذاری که تأثیر عمده‌ای در قلمرو داشته باشد. این هنجار به آرامی توسط دولت‌ها پذیرفته می‌شود و احتمالاً منبع حقوق بین‌الملل عرفی در حال ظهور است.^{۴۵}

از مطالب فوق آشکار می‌شود که UNDRIP در مفاد خود دارای هنجارهایی است که قبلاً بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی را تشکیل می‌دهد در حالی که برخی ممکن است در آینده به منابع حقوق بین‌الملل عرفی نوظهور تبدیل شوند. به مکانیسم‌های عملیاتی‌سازی حقوق برای مؤثر بودن نگاه کند. مصادره اراضی که از نظر تاریخی توسط کردها نگهداری و کشت شده‌اند و اجرای سیاست اجباری عربی‌سازی در مناطق کردنشین؛ در سال ۱۹۷۳، در امتداد مرز سوریه با ترکیه و عراق، در استان هاساکا، مقامات سوری منطقه‌ای از زمین‌های حاصلخیز که متعلق و کشت‌شده به وسیله ده‌ها خانواده از هزاران خانواده کردی بود را مصادره کردند - بخشی از زمین با مقیاس ۳۷۵ کیلومتر طول و ۱۵-۱۰ کیلومتر عرض، در کل بیش از ۷۵۰ کیلومتر - و این زمین‌ها را به خانواده‌های عربی از استان‌های آلیو و الرقه دادند.

رهبر ملی کمیته حکمرانی بخش بعث دستوراتی را برای ایجاد ۴۱ اقامتگاه در این مناطق صادر کرد، به این خاطر که ترکیب جمعیتی این مناطق را با بیرون کردن و جابه‌جا کردن اهالی کردی تغییر بدهند. در تاریخ ۲۰۰۷/۰۶/۱۳ مقامات سوری در اداره کشاورزی در مالکیه، استان هاساکا، قراردادهایی را امضا کردند که به ۱۵۰ خانواده عرب مناطقی از شادادی، استان هاساکا را اعطا می‌کرد، حدود شش هزار کیلومتر در مالکیه. در همین زمان، ده‌ها خانواده از مردم کردی را از روستاهایشان خارج کردند و آنها را مجبور کردند تا به مناطق دیگر داخل و خارج از سوریه نقل مکان کنند.

در تاریخ ۲۰۱۰/۰۳/۱۰ وزیر کشاورزی و اصلاحات ارضی را با شماره 2707/S صادر کردند به بخش‌های کشاورزی در استان هاساکا دستور دادند تا برخی نام‌های دهقانان را از لیست دستمزدها و قراردادهای اجاره‌ای به این بهانه این بهانه که آنها بر طبق مفاد ماده شماره ۴۱ در سال ۲۰۰۴ و اصلاحیه‌اش مجوز ندارند، خارج کنند، همه آنها شهروندان کرد بودند.^{۴۶}

۳-۱- اقدامات دولت علیه حقوق احوال شخصیه کردها

در تاریخ ۱۹۶۲/۱۰/۰۵، بر اساس حکم قانونی شماره ۹۳ مورخ ۱۹۶۲/۰۸/۲۳ و با استفاده از آنچه به عنوان «کمیته سرشماری» در سراسر استان گسترده شد، مقامات سوری در حسکه به صورت تصادفی، ده‌ها خانواده از هزاران خانواده کردی را از ملیت سوری خود محروم کردند. سرشماری در استان حسکه ظرف ۲۴ ساعت به پایان رسید و در نتیجه ده‌ها خانواده از هزاران خانواده کردی، ملیت خود را از دست دادند و خود را محروم از تابعیت یافتند. در یک تصمیم غیرقابل بازگشت و تنها با حرکت یک خودکار، آنها از حقوق مدنی‌شان با هیچ امکانی از تجدیدنظر، محروم شدند.

امروزه و در نتیجه رشد طبیعی جمعیت، شمار افرادی که از ملیت خود محروم شده‌اند، بیش از یک چهارم از یک میلیون نفر است. فرزندی که از والدین بدون ملیت متولد می‌شود، به طور خودکار به عنوان «خارجی» شناخته می‌شود، در نتیجه فرزند متولدشده از پدر فاقد ملیت و مادر سوری در وضعیت «ثبت‌نشده» قرار می‌گیرد. برای اینکه شخصی «خارجی» شناخته شود، باید

44. free, prior and informed consent (FPIC)

45. ASA OMWOYO, (op.cit.), 8

46. <https://lib.ohchr.org/HRBodies/UPR/Documents/session12/SY/KIS-KurdsinSyria-eng.pdf>

فرایندهای پیچیده‌ای دنبال شود. موارد مشابه زمانی پدیدار می‌شود که پدر از ملیت محروم باشد و هویت مادر «ثبت‌نشده» باشد و یا زمانی که هر دوی والدین به دسته‌بندی دوم تعلق داشته باشند.^{۴۷}

– شهروندان کرد، موضوع تعهدات تبعیض‌آمیز در رابطه با حق مالکیت‌ها هستند. آنها در جایی هم از شهروندی و هم از ملیتشان محروم شده‌اند، در برخی مناطق از جمله استان الرقه مجاز نیستند مالکیت حقیقی (کشاورزی، خانه مسکونی) داشته باشند، به همین دلیل آنها مجبور هستند تا اموال خود را به نام دیگری ثبت کنند.

– در سال ۲۰۰۵، کمیسیون حقوق بشر در سازمان ملل در نتیجه مشاهدات خود در گزارش دولت سوریه و الزاماتش بر اساس معاهده بین‌المللی حقوق مدنی – سیاسی اظهار داشت کمیته «در رابطه با موقعیت شمار گسترده‌ای از کردها که به عنوان خارجی یا افراد ثبت‌نشده شناخته می‌شوند، نگران است، چراکه آنها تبعیض را تجربه کرده‌اند».^{۴۸}

بند «الف» ماده ۲ طرح پیش‌نویس مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) اشاره به قابلیت انتساب دارد. قابلیت انتساب در چهارچوب مسؤولیت بین‌المللی دولت به معنای نسبت دادن است که در فصل دوم مواد پیش‌نویس مورد بحث قرار گرفته، جایی که ماده ۴ قاعده اساسی انتساب اعمال ارگان‌ها به دولت را بیان می‌دارد. ماده ۷ مشخص می‌سازد که رفتار ارگان‌ها و نهادهایی که اختیار دارند قدرت دولتی را اعمال کنند، به دولت منتسب می‌شود، حتی اگر رفتار مزبور خارج از صلاحیت آن سازمان یا شخص مورد نظر، یا برخلاف فرمان‌های صادره، انجام شده باشد.

ماده ۸ به اجرای دستورالعمل‌های ارگان یک دولت یا تحت نظارت و کنترل آن اختصاص دارد. ماده ۹ درباره رفتاری خاص است که مستلزم عناصری از اقتدارات دولتی محسوب می‌شود و در نبود اقتدارات رسمی اعمال می‌شود. ماده ۱۰ به مسؤولیت دولت در قبال رفتار شورشیان می‌پردازد و بالاخره ماده ۱۱ درباره رفتاری است که طبق یکی از مواد قبلی به دولت منتسب نمی‌شود؛ لیکن آن دولت آشکارا یا عملاً آن رفتار را به عنوان اقدام خویش قلمداد کرده است.^{۴۹}

معیار کنترل کلی به استدلال دیوان اروپایی در قضیه ی مشهور لوازیدو بر می‌گردد. همان‌گونه که گفته شد در این قضیه دیوان اروپایی حقوق بشر می‌بایست نسبت به مسؤولیت ترکیه در قبال سلب حقوق شاکی توسط مقامات جمهوری ترک نشین قبرس اظهار نظر می‌کرد. دیوان بنا به معیار کنترل کلی، تصرف اموال شاکی در قبرس شمالی را موجب مسؤولیت دولت ترکیه دانست، زیرا برای دیوان روشن بود که ترکیه بر این بخش از جزیره ی قبرس کنترل کلی اعمال می‌کند.^{۵۰}

(۱) حقوق افراد ناپدیدشده:

به علاوه در دو دهه اخیر شاهد تحولات قابل توجهی در نحوه رسیدگی به موضوع افراد ناپدیدشده، چه در شرایط پس از درگیری و چه پس از بلاای طبیعی یا انسانی بوده است. اگرچه هر فرد گمشده را نمی‌توان یافت و شناسایی کرد، امروزه تکنیک‌های DNA شناسایی بقایای قربانیان را بیشتر از قبل ممکن می‌سازند؛ اما این تکنیک‌ها مستلزم آن است که بررسی‌ها، جمع‌آوری و جابه‌جایی بقایا، هماهنگ و حرفه‌ای انجام شود و شامل اقدامات لازم از سوی مسؤولین باشد.^{۵۱}

47. Matthieu Cimino. *Syria: Borders, Boundaries, and the State*. (Springer Nature, 2020),

Publisher: Palgrave Macmillan; 1st ed. 2020 edition (June 14, 2020) p.19. ISBN-10: 3030448762

48. Radpey, Loqman (September 2016). “Kurdish Regional Self-Rule Administration in Syria: A New Model of Statehood and Its Status in International Law Compared to The Kurdistan Regional Government (KRG) In Iraq. *Japanese Journal of Political Science* 17 (3): 478.

۴۹. ربکا ام.ام. والاس، *حقوق بین‌الملل*، ترجمه سیدقاسم زمانی و مهناز بهراملو، چاپ اول (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۲)، ۲۱۷.

۵۰. ممتاز، رنجبریان. پیشین، ص ۹۷.

51. Mark S. Ellis, ‘Sovereignty and Justice: Balancing the Principle of Complementarity between International and Domestic War Crimes Tribunals’ (Newcastle upon Tyne: Cambridge Scholars Publishing, 2014).

در سوریه، تعداد افراد ناپدیدشده به طور دقیق مشخص نیست. شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد حتی قبل از اعتراضات و شورش‌های ۲۰۱۱، دولت از شیوه ناپدید شدن اجباری به عنوان ابزاری برای کنترل اجتماعی و سیاسی استفاده می‌کرد. مکان‌یابی و شناسایی افراد ناپدیدشده در سوریه با این واقعیت پیچیده‌تر می‌شود که تعداد نامعلومی از پناهجویان سوری در دریای مدیترانه مفقود یا غرق شده‌اند بنابراین با توجه به عدم تمایل اکثر بازیگران دولتی و غیردولتی برای برخورد صادقانه با این موضوع، پیگیری و رسیدگی به موضوع دشوار است.^{۵۲}

به همین دلیل، این موضوع به طور فزاینده‌ای به عنوان یک چالش جهانی که در مقابل شرایط خاص، ناهماهنگ، موردی نیازمند یک پاسخ بین‌المللی ساختار یافته و پایدار است در نظر گرفته می‌شود در نتیجه، نقش جامعه بین‌المللی در برخورد با این موضوع متحول شده است.

۲) حقوق احوال اموال و دارایی

از اوایل دهه ۱۹۹۰، درگیری‌های پی‌درپی داخلی، بین دولت و منطقه، گروه‌های مختلف را بر اساس هویت قومی و فرقه‌ای در برابر یکدیگر قرار داده است. در مواردی که این گروه‌ها برای دستیابی به اهداف استراتژیک سرزمینی می‌جنگند، این درگیری‌ها تکرار شده و منجر به سیاست‌های فعال برای حذف گروه‌ها از مناطق مختلف شد. اخراج غیرنظامیان ناقض مقررات متعدد حقوق بین‌الملل است و اغلب از طریق سایر موارد نقض حقوق بشر که برای ترساندن مردم از فرار انجام می‌شود، اقدام می‌گردد. با این حال، بیشترین تخلفات مرتبط با این پدیده، مواردی است که علیه مسکن، زمین و دارایی‌های قربانیان آواره انجام شده است. چنین تجاوزاتی نه تنها به منظور وادار کردن مردم غیرنظامی به فرار، بلکه برای جلوگیری دائمی از بازگشت آنها انجام می‌شود.^{۵۳} نقض مسکن، زمین و دارایی اغلب شامل تلاش‌هایی برای تضعیف ادعاهای قانونی جمعیت‌های آواره در مورد خانه‌ها و زمین‌های خود و ایجاد موانع فیزیکی برای بازگشت آنهاست. مورد اول می‌تواند شامل مصادره یا تخریب عمدی اسناد یا بایگانی سوابق اموال افراد، رسیدگی به سلب مالکیت بدون غرامت و سوءاستفاده از حقوق و مشروط کردن استفاده فعال از اموال در مواردی که افراد به زور آواره شده‌اند باشد. موانع فیزیکی شامل اقداماتی مانند تخریب اموال، یا اعطای حقوق به سایر جمعیت‌ها برای استفاده از اموال به‌جای مانده از آوارگان است.

حقوق مسکن، زمین و مالکیت به طور سنتی تحت حمایت حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیست. با این حال، این حقوق از زمان پایان جنگ سرد، با پیشرفت‌های هنجاری قابل توجه و شیوه‌های نوآورانه در محیط‌های درگیری، به عنوان یک حوزه اصلی مورد توجه قرار گرفته است. نتیجه درگیری‌ها در سوریه هر چه که باشد، وضعیت موجود در رابطه با مسکن، زمین و دارایی اولویت بالایی برای مردم سوریه همین‌طور برای دست‌اندرکاران جامعه بین‌المللی دارد. در نتیجه این بحران آوارگان بازگشته و جمعیت غیرآواره در سوریه با کمبود عمده سرپناه در نتیجه ویرانی‌های عظیم در طول درگیری مواجه خواهند شد؛ بنابراین مسائل بلندمدت مسکن، زمین و دارایی نیاز به توجه دارند.^{۵۴}

علاوه بر موارد فوق تقسیم خاک سوریه تحت مدیریت‌های مختلف برای مدت طولانی، پیامدهای خاصی در زمینه حقوق احوال شخصیه و اسناد مدنی دارد. نشانه‌های امیدوارکننده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه عناصر مختلف در برخی مناطق تلاش می‌کنند تا از گسترش بیشتر سیستم‌های وضعیت شخصی در داخل کشور جلوگیری کنند. با وجود این، صرف این واقعیت که زندگی در دولت‌های جداگانه ادامه یافته است و همه ازدواج‌ها، تولدها و مرگ‌ها توسط یک دولت مرکزی ثبت نشده است، چالش‌های عظیمی را برای سوریه آینده ایجاد می‌کند.

52. International Convention for The Protection of All Persons from Enforced Disappearance 2010, 2716 UNTS

3, Article 2 Provides A Definition of Enforced Disappearance in Cases Involving State Actors. Under ICC Statute, Supra N. 253, Article 7(1)(I) Establishes That the Crime of Enforced Disappearance Can Amount to A Crime Against Humanity.

53. Ekman, (op.cit), 147.

54. Ibidem.

بنابراین ضروری است که حق شهروندی برای سوری‌هایی که در جریان درگیری متولد شده‌اند تضمین شود و اطلاعات در دولت و مخالفان تضمین شود. به علاوه زنان و کودکان با نگرانی‌هایی مواجه هستند که ممکن است مدت‌ها پس از پایان درگیری‌ها پیامدهایی داشته باشد، از جمله بی‌تابیتی بالقوه کودکان، فقدان حقوق مالی برای زنان در ازدواج‌های غیرقانونی و فقدان خدمات. از این رو ناتوانی در دسترسی به اسناد مدنی مانند ازدواج یا گواهی تولد می‌تواند اثرات اعمال تبعیض‌آمیز علیه زنان در سوریه را تشدید کند. چنین مشکلاتی به طور مستقیم بر حقوق زنان برای حرکت، فعالیت آزادانه و مستقل و حفظ حضانت فرزندان تأثیر می‌گذارد. در واقع، ناتوانی در مستندسازی روابط خانوادگی می‌تواند مانع دریافت کمک‌های بشردوستانه شود.^{۵۵} پروتکل الحاقی دوم نیز که تکمیل‌کننده ماده ۳ مشترک به شمار می‌رود، درحقیقت حقوق انسانی قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه داخلی را از راه تشریح مقررات مربوط به «حمایت از غیرنظامیان به طور کلی»، کودکان، بازداشت و توقیف مجروحان، بیماران، غریقان و اشخاصی که با پیگرد کیفری روبه‌رو هستند، تکمیل می‌کند.^{۵۶}

در این میان محدودیت‌های لجستیکی و مالی نیز وجود دارد، زیرا بسیاری از پناهندگان سوری در خارج از شهری که سفارت در آن واقع شده است زندگی می‌کنند و نمی‌توانند به راحتی در کشور میزبان خود سفر کنند. به این ترتیب، بسیاری از پناهندگان به پرداخت هزینه‌های گزاف متوسل شده‌اند تا واسطه‌ای برای ثبت تولد یک کودک در مناطق تحت کنترل دولت در داخل سوریه اقدام کند. برای کسانی که توانایی مالی برای پرداخت را ندارند، فرزندانشان در معرض خطر بی‌مدرک و بی‌تابیتی قرار دارند. یکی از پیامدها و نگرانی‌های بی‌تابیتی نیز ازدواج کودکان است. ازدواج کودکان به دلیل مشکلات اقتصادی، چه در داخل و چه در خارج از سوریه، به ویژه در کمپ‌های پناهندگان در کشورهای همسایه در حال افزایش است. یک وکیل زن سوری در ترکیه اظهار داشت که وقتی این دختران باردار می‌شوند، از رفتن به بیمارستان برای مراقبت‌های قبل از زایمان و زایمان خودداری می‌کنند زیرا می‌ترسند به دلیل ازدواج غیرقانونی تحت تعقیب قرار گیرند. آنها به همین دلیل از ثبت نام فرزندان خود می‌ترسند. در نتیجه، فرزندان حاصل از ازدواج کودکان اغلب بدون سند باقی می‌مانند و در معرض خطر بی‌تابیتی قرار می‌گیرند.^{۵۷}

نتیجه:

همانطور که با جزئیات بیان گردید جرایم ارتكابی دولتهای حاکم در سوریه از مصادیق بارز جرایم بین‌المللی (جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی) نیز می‌باشد. البته ارتكاب این جنایات و جرایم بین‌المللی توسط دولت سوریه بر مردم کر سوریه به اینجا ختم نمی‌شود. لذا، بار دیگر دولت سوریه عملیات نظامی خود را در اواخر ژانویه ۲۰۱۲ آغاز نمود لیکن این حملات و رویدادها وضوح پاک‌سازی قومی را به منظور هدف قرار دادن قومی خاص منعکس نمود و این دوره با تنوع تهدیدات علیه غیرنظامیان به عنوان رفتار غارتگرانه در قالب غارت گسترده به دست نیروهای دولتی و شبه‌نظامیان طرفدار دولت بارزتر شد. جابه‌جایی اجباری و عدم دسترسی آوارگان به وسایل بهداشتی، ایمنی و تغذیه، نقض ماده ۱۷ پروتکل الحاقی دوم نیز می‌باشد. به موجب این ماده، جابه‌جایی جمعیت غیرنظامی، جز به دلیل تأمین امنیت آنها یا به اقتضای دلایل نظامی ممنوع است و در صورت ضرورت جابه‌جایی، کلیه تسهیلات ممکن از نظر امنیت جانی، بهداشت و سلامت، ایمنی و تغذیه باید به گونه‌های رضایت‌بخش فراهم شود. مضافاً اینکه بند ۲ همین ماده مقرر می‌دارد که جابه‌جایی و تخلیه جمعیت نباید موجب انتقال جمعیت به خارج از مرزهای ملی شود.

55. An Example Is The 15 Documentation Centers in Syria That ILAC Support, All of Them Run by Local Bar Associations or Local Councils.

۵۶. عسگری، پوریا، "مسئولیت بین‌المللی افراد و دولت‌ها در پرتو ضابطه کنترل"، مجله حقوقی، شماره ۴۰، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱.

57. Ekman, (op.cit.),153.

به هر حال، آوارگی و بی‌خانمانی جمع زیادی از مردم سوریه، سختی معیشت و عدم دسترسی آنها به مایحتاج ضروری زندگی همچون آب آشامیدنی سالم، مواد غذایی و دارو ... اثر مستقیمی در عدم برخورداری مردم از حقوق اساسی بشر دارد؛ بنابراین محروم کردن غیرنظامیان از تجهیزات و امکاناتی که برای بقای آنها ضروری است بر اساس مقررات حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع است و این امر در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان جنایت جنگی محسوب می‌شود. جامعه بین‌المللی، در حال حاضر دارای ویژگی‌های یک جامعه، آن گونه که در عرصه دولتی است، نمی‌باشد. به همین دلیل شناسایی وضعیت قربانی برای آن دشوار است. اهمیت این شناسایی در اینجاست، که اعطای وضعیت قربانی به آن امکان رسیدگی کیفری را برای نهادهای صالح به بار خواهد آورد، اما در عصر حاضر نه چنین نهاد کیفری بین‌المللی وجود دارد و نه کشورها به چنین امری رضایت می‌دهند. با این حال می‌توان این امکان را متصور بود که با توجه به خسارات عمده ای که به آن وارد می‌شود، در آینده ای نه چندان دور به چنین وضعیتی دست پیدا کند.^{۵۸}

مسأله حقوق کردها در سوریه در اواخر قرن حرکت با ثبات‌تری داشت، اما این مسأله تا دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ اتفاق نیفتاد به دلیل رفتار قاطعانه‌ای که نسبت به سیاست‌های ملی و منطقه‌ای در پیش گرفته شده بود. مشکلاتی که کردهای سوری در حال حاضر در گستره وسیع‌تر از منطقه با آن مواجه هستند، بر تمام کردها در سرتاسر خاورمیانه تأثیر می‌گذارد. کاهش این مشکلات به ارتقای موقعیت آنها در سوریه کمک می‌کند، اگرچه مراقبت باید اتخاذ شود تا تضمین کند که چنین تلاش‌هایی در انطباق با استانداردهای بین‌المللی برای حقوق اقلیت‌ها^{۵۹}، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است.

راه‌حل مشکلات بیان‌شده منسوخ کردن سیاست آزار و اذیت ناشی از تبعیض نژادی علیه کردها در سوریه و حذف تأثیرات و نتایج منفی‌اش، مانند پروژه‌های نژادی و تبعیض‌آمیز، حقوق، اقدامات و فریندهای اعمال‌شده علیه آنها و شناسایی کردها به عنوان یک اقلیت و حفاظت از حقوق ملی و هویت کردی و حقوق بشرشان تنها پیمودن مسیر حقوقی و توسل چهارچوب‌های مشخص شده معاهدات بین‌المللی در راستای محکوم کردن و شناسایی مسؤولیت بین‌المللی دولت سوریه در قبال کردها می‌باشد. جامعه بین‌المللی، در حال حاضر دارای ویژگی‌های یک جامعه، آن گونه که در عرصه دولتی است، نمی‌باشد. به همین دلیل شناسایی وضعیت قربانی برای آن دشوار است. اهمیت این شناسایی در اینجاست، که اعطای وضعیت قربانی به آن امکان رسیدگی کیفری را برای نهادهای صالح به بار خواهد آورد، اما در عصر حاضر نه چنین نهاد کیفری بین‌المللی وجود دارد و نه کشورها به چنین امری رضایت می‌دهند. با این حال می‌توان این امکان را متصور بود که با توجه به خسارات عمده ای که به آن وارد می‌شود، در آینده ای نه چندان دور به چنین وضعیتی دست پیدا کند.

طبق حقوق بین‌المللی، دولت‌ها موظف به احترام، تضمین و اجرای حقوق بین‌المللی حقوق بشر هستند. این امر مستلزم وظیفه «بررسی مؤثر، سریع، کامل و بی‌طرفانه» نقض‌ها و در صورت لزوم، اقدام علیه کسانی که گفته می‌شود مطابق با هنجارهای داخلی و بین‌المللی مسؤول^{۶۰} هستند.

۵۸. زمانی، سیدقاسم، سیدابراهیم، حسینی، مفهوم قربانی در حقوق بین‌الملل کیفری، مجله پژوهش‌های حقوقی، شهردانش، ۱۳۶۹، نیمسال دوم، شماره ۹، ص ۱۷۹

۵۹. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

_ عزیز، ستار، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۴.

۶۰. لازم به ذکر است: مقاله «مسئولیت بین‌المللی دولت سوریه در قبال نقض حقوق کردها»؛ همچنین در مرحله نهایی بوده و پس از نوشتار حاضر تقدیم حضور میگردد.

منابع

الف) منابع فارسی

- ۱- ربکا ام.ام. والاس، حقوق بین الملل، ترجمه سیدقاسم زمانی و مهناز بهراملو، چاپ اول (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۲)، ۲۱۷.
- ۲- جمشید ممتاز و امیرحسین رنجبریان، حقوق بین الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، چاپ سوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات میزان، سال ۱۳۸۷
- ۳- زمانی، سیدقاسم، سیدابراهیم، حسینی، مفهوم قربانی در حقوق بین الملل کیفری، مجله پژوهش های حقوقی، شهردانش، ۱۳۶۹، نیمسال دوم، شماره ۹، ص ۱۷۹
- ۴- عسکری، پوریا "مسئولیت بین المللی افراد و دولت ها در پرتو ضابطه کنترل"، مجله حقوقی، شماره ۴۰، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱.
- ۵- عزیزی، ستار، حمایت از اقلیت ها در حقوق بین الملل، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۴.
- ۶- اسدی، علی اکبر. «بحران سوریه و تأثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای». فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام ۸(۳۰):۱۳۹۱-۱۷۴
- ۷- مرادی، اسکندر، ضیاءالدین صبور، شیلاں خاکی و عبدالمطلب جوانمردی. «امکان‌سنجی شکل‌گیری اقلیم کردی در شمال سوریه». فصلنامه سیاست جهانی ۴(۴):۱۳۹۴-۲۲۱-۲۵۵.
- ۸- نصری، قدیر و آرمان سلیمی. «کردهای سوریه: الگوی سنجش وزن اقلیت». فصلنامه روابط خارجی ۶(۲):۱۳۹۳-۳۳-۶۸.

ب) منابع خارجی

- 1-Cf. Jean-François Pérouse, « Les Kurdes de Syrie et d'Irak : dénégation, déplacements et éclatement », Espace, populations, sociétés, 1997, n°1, Les populations du monde arabe – People of the Arab Middle East, p. 79.
- 2-Abdullah.Rebhy,*Syrian.Opposition.Groups.Reach.Unio.Deal*,SEATTLE.TIMES,
<http://www.seattletimes.com/Nation-World/Syrian-Opposition-Groups-Reach-Un-Itty-Deal/>. (Nov. 22, 2012).
- 3-ASA *OMWOYO, BRIAN*, A Critical Evaluation of The Regime for Protection of Indigenous Peoples' Rights Under International Human Rights Law. (2014).
- 4-Cherie Metcalf, Indigenous Rights and The Environment: Evolving International Law Ottawa L. Review, 101. (2004).
- 5-Fergus Mackay, Universal Rights or A Universe unto Itself? Indigenous Peoples' Human Rights and The World Bank's Draft Operational Policy 4.10 On Indigenous Peoples. *AM U INTL REV* 595, (2002).
- 6-Forestier, Marie "“You Want Freedom? This Is Your Freedom”": Rape As A Tactic Of The Assad Regime,' *LSE Centre.For.Women,Peace.And.Security*,3/2017,
http://eprints.lse.ac.uk/69475/1/Forestier_You_Want_Freedom_This_Is_Your_Freedom_WP3_2017.Pdf
- 7-Gill,Terry.D. Classifying the Conflict in Syria. *International Law Studies (Naval-War-College)*,92,355(2016).
<http://www.heinonline.org/HOL/Page?Handle=Hein.Intyb/Ilusunwc0092&StartPage=353&Collection=Intyb&Id=364>
- 8-HRW, 'World.Report.2013:Syria-Events.Of.2012,'*Human.Rights.Watch*,2013,
<https://www.hrw.org/worldreport/country-chapters/syria/2013>.
- 9-Knarrum Bostad, Eli, Regime Crackdown in Syria (2011–2017), Unpacking Violence Against Civilians, Norwegian Defence Research Establishment (FFI). 16 October 2018.
- 10- Maia S. Campbell and James Anaya, The Case of The Maya Villages of Belize: Reversing the Trend of Government Neglect to Secure Indigenous Land Rights *Human Rights Law Review*, 398. (2009)8(2).
- 11- Mauro Barelli, Free Prior and Informed Consent in The Aftermath of The UN Declaration on The Rights Of Indigenous Peoples: Developments And Challenges *International Journal Of Human Rights (2012) 16(1)*
- 12- Mark S. Ellis, 'Sovereignty and Justice: Balancing the Principle of Complementarity Between International and Domestic War Crimes Tribunals' (Newcastle Upon Tyne, UK: Cambridge Scholars Publishing, 2014
- 13- Matthieu Cimino. Syria: Borders, Boundaries, And the State. Springer Nature P. 19. ISBN 978-3-030-44877. .2020.
- 14- Radpey, Loqman (September 2016). "Kurdish Regional Self-Rule Administration In Syria: A New Model Of Statehood And Its Status In International Law Compared To The Kurdistan Regional Government (KRG) In Iraq". *Japanese Journal of Political Science*. 17 (3), 468 – 488.
- 15- Sarah Nykolaishen, Customary International Law and The Declaration of The Rights of Indigenous Peoples., 111 -128. (2012)*17Appeal*.
- 16- Schmidinger, Thomas. Rojava: Revolution, War and The Future of Syria's Kurds. Translated By Schiffmann, Michael. Pluto Press.2018
- 17- SYRIA 2018 HUMAN RIGHTS REPORT, Country Reports on Human Rights Practices for United States Department of State Bureau of Democracy, Human Rights and Labo 2018
- 18- Yldiz, Karim. *The Kurds in Syria, The Forgotten People*, London: Rutledge, 2005/ 2014.

Violation of Kurdish rights in Syria from the perspective of international law

sayed ghasem zamani

Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

shayan seyedahmadi

PhD Student in International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract:

The ruling governments in Syria in general throughout history, they considered the Kurds as an immigrant population and not as native and authentic citizens of this country. Not only are they unwilling to grant autonomy to this minority and define an ethnic identity for them, Rather, they have not recognized them as Syrian citizens and given them Syrian identity. What we have seen again since February 2011 shows the widespread and systematic violation of the fundamental rights of the Kurdish minority in this country by government forces as well as armed and militia groups supporting the government in the Syrian crisis. This unconventional approach to Kurdish identity has caused gross violations of international obligations and the most basic human rights of the Kurdish minority in Syria. Until now, the ruling governments in Syria have clearly violated the rights of the Kurds based on the rules and obligations of international law, which proves that it opens a promising window of guarantees of international law to support and recognize the Kurds as a minority.

Keywords: Syria, Kurds, Violation of rights, international law